

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ جون ۲۰۲۲

مخالفت "گلبدین تیزاب پاش" با حجاب اجباری!

شنبه - ۱۴ جوزای ۱۴۰۱ - کابل: "گلبدین" روز گذشته در خطبه های نماز جمعه در مسجدی که به همین منظور از طرف امپریالیسم امریکا و حاکمیت پوشالی ساقط شده در حوالی محل سکونتش ساخته و به اختیارش گذاشته شده است، نظام ملاسالار را مخاطب قرار داده گفت:

"به مسؤلین امارت اسلامی سفارش می‌کنم که پوشش خاصی را به افغان‌ها، به ویژه زنان و دختران تحمیل نکنند که درباره آن نه در قرآن و سنت نص صریح آمده است و نه در واجب و حرام بودن آن امر و نهی وجود دارد." به این گفته ها اکتفاء ننموده صریحاً از فیصله های مخالفان امارت اسلامی و کنفرانس آنها در ترکیه یاد و آن را "مثبت" ارزیابی و با این عبارات حمایت نمود: "مشارکت در قدرت و تشکیل حکومت موقت ائتلافی، حضور نیروهای خارجی تحت پوشش سازمان ملل برای تأمین امنیت آنها و برگزاری انتخابات است." در یادداشت امروز بحث مختصری در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- اصولاً در اسلام با در نظر داشت این که نماز جمعه به مثابه یکی از نماز های "سیاسی- عبادی" شناخته می شود، لذا پیشنهاد یا امام نماز جمعه و خطیب آن، نه تنها می باید از جانب مرجع حاکمیت اسلامی انتخاب و مقرر گردد، بلکه اصولاً وظیفه دارد تا مبلغ و مروج سیاست های اسلامی حاکمیت باشد، نفس تقرر "گلبدین" بدین سمت از چند جهت مورد بحث قرار می گیرد:

*- هرگاه بدین وظیفه از جانب حاکمیت ساقط شده مقرر شده باشد، از آن جایی که اسلام سیاسی در کل از طالب گرفته تا جهادی ها و شخص "گلبدین" آن حاکمیت را اسلامی نمی دانستند- اگر می دانستند قیام شان علیه آن حاکمیت مصداق بغی پیدا می نمود و خون شان مباح می شد- ادامه امامت و پیشنمازی اش از دید فقهی قابل مناقشه و حتا ناروا شمرده می شود؛

*- هرگاه شخصاً بدون استیذان حاکمیت این وظیفه را برای خودش معین نموده باشد، می تواند بدان معنا باشد که بیعتش به امارت اسلامی کامل نیست و رنه به چنین تمرد و خودسری روی نمی آورد؛

*- هرگاه به انجام این وظیفه از جانب امارت اسلامی گماشته شده باشد و یا امارت اسلامی در مورد وی از تحمل کار گرفته باشد، از آنجائی که به امارت در کل بیعت نموده است، می باید گفته های تبلیغی اش را با منابع حاکمیت هماهنگ سازد و اگر کدام انتقادی دارد آن را از مجاری درونی مطرح سازد نه این که با انتقاد از سیاست های رسمی امارت، باعث تشویش اذهان عامه و افساد جامعه بگردد.

۲- هر چند سخنگویان امارت اسلامی این حرفهای "گلبدین" را از دو منظر سیاسی و فقهی بی اعتبار اعلام داشتند، زیرا از یک جانب ویرا انسان دروغگو و منافق معرفی کردند و دلیل آن را در تیزاب پاشی های گذشته اش و شرایط زندگانی در کمپ های تحت نفوذش اعلام داشتند و از لحاظ فقهی به نحوی وی را بیسواد و بی خبر از فقه معرفی نمودند، مگر با آنهم برخوردشان تا حال با این جرثومه کثافت بیش از حد بردبارانه بوده است. این بردباری و تحمل تا جانیست که جای دارد به دنبال درک دلیل آن، انسان تلاش نماید. چه نظامی که کمترین انتقاد یک زن و یک دختر را حاضر نیست تحمل نماید، سکوت و بی عملی در قبال اعلام جنگ علیه نظام ماسالار با آمدن نیروهای حافظ صلح ملل متحد در افغانستان به جای نیروهای طالب، نمی تواند بدون دلیل باشد.

۳- به نظر من یگانه عاملی که مانع می شود تا طالب حق "گلبدین" را کف دستش بگذارد و با انداختن ریسمان بر گردنش و در نهایت بریدن سرش، دل میلیونها هموطن را شاد نماید، آبشخور و بادار مشترکی است که هر دو دارند یعنی به همان سان که طالب و نظام ماسالار سر در آخور امپریالیسم و ارتجاع منطقه به خصوص دولت پاکستان و "آی. اس. آی" دارد، "گلبدین" نیز عین وابستگی و تعلق را داشته از عین آخور تغذیه می شود. از همین رو طالب به خود این حق و اجازه را نمی دهد تا علیه وی دست به اقدامی بزند که زمامداران پاکستان را ناراحت و یا عصبانی بسازد.

۴- این که "گلبدین" چرا بعد از دهه ها تیزاب پاشی و کشتار بیرحمانه دگر اندیشان کشور در داخل و خارج از افغانستان، امروز می آید از خود قهرمان دفاع از حقوق زنان را به نمایش می گذارد، گذشته نکبتبار این جرثومه کثافت، فساد و کشتار نشان داده که چنین موضعی نه خواست خودش است و نه هم از لحاظ اعتقادی با آن مشکلی دارد، بلکه عامل این "سفارش" کردن به مقامات طالب و نظام ماسالار، روند جدید نزدیکی با هند است که از جانب تعدادی از بزرگان طالب آغاز یافته است. اینجاست که دولت پاکستان و "آی. اس. آی." به مهره نیمه سوخته و احتیاطی اش در وجود "گلبدین" دستور می دهد تا از مواضع قسماً لیبرال تر که می تواند مردم پسند باشد حاکمیت طالب را مورد انتقاد قرار دهد و به آنها به زبان بی زبانی بگوید که اگر از نزدیکی با هند دست نکشند، "گلبدین" و باندش اینبار در دفاع از آزادی زنان!! بیرق مندرس شان بلند خواهند نمود.

هموطنان گرامی!

این که آنچه به مثابه حجاب اسلامی امارت می خواهد برزنان کشور تحمیل دارد نه اسلامی است نه ملی، یک طرف قضیه است؛ مگر این که افرادی از قماش "گلبدین" که در تمام عمر شان با سوءاستفاده از اسلام و برداشت های شخصی از دستور های آن، خواسته اند برگردن مردم سواری نمایند نه تنها طرف دیگر قضیه بلکه واقعیتی است که همه ما در ۵ دهه اخیر در آتش آن سوخته و هنوز هم می سوزیم. از همین رو باید آگاهانه متوجه باشیم که مبارزات آزادیخواهانه مان را با چنین شعار هائی باز هم سرقت ننمایند و در نهایت بار دیگر جنبش های آزادیخواهانه و ترقی جویانه مردم ما را به دم خر اسلام سیاسی پیوند نزنند. این را باید بدانیم که طالب و تمام اسلام سیاسی من جمله "گلبدین" دو روی یک سکه اند و در هنگام قدرت هیچ تمایزی از یک دیگر ندارند. همه آنها دشمن مردم و آزادیهای دموکراتیک آنها می باشند و رسیدن به آزادی و رفاه، فقط با پای گذاشتن بر روی اجساد شان میسر می گردد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!